

# نکات مهم و کلیدی تجارت او ۲

وبلاگ حقوقی سعید شاکر

<http://www.dadban1365.blogfa.com/>

# تجارت ۱

## نکات:

۱. تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد .
۲. منظور از شغل ، فعالیت برای **امرار معاش** است .
۳. دلال وقتی تاجر محسوب می شود به کار دلالی به **عنوان شغل معمولی پرداخته باشد**.
۴. **کسبه جزء** تاجر محسوب می شود ولی الزامات حرفه ای تاجر را ندارد **پیشه ور** تاجر محسوب نمی شود .
۵. منظور از **معاملات براواتی** معاملاتی است که مورد معامله آن **بروات** باشد ( اعمال حقوقی است که روی برات انجام می شود یعنی صدور ، قبولی ، ضمانت و ظهر نویسی .... )
۶. به معاملات براواتی ، **معاملات تجاری حکمی** هم گفته می شود .
۷. صدور **چک** عمل تجاری تلقی نمی شود .
۸. **دلالی یا حق العمل کاری یا بیمه و تسهیل** اموال غیر منقول عملیات تجاری ذاتی است .
۹. معامله بین **تاجر با غیر تاجر در صورتی که برای رفع حوائج تجارتي باشد**، تجارتي است.

۱۰. معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود .
۱۱. معاملات غیر منقول شرکت هایی که به منظور ساخت و فروش آپارتمان ایجاد شده اند. این معاملات استثناعاً تجاری می باشد. (ذاتاً تجاری هستند)
۱۲. دکتر اسکینی: معاملات غیر منقول شرکت های سهامی تجاری محسوب نمی شود..... دکتر عرفانی: به نظر می رسد عملیات شرکت سهامی، حتی در مورد معاملات غیر منقول هم تجاری محسوب خواهد شد.
۱۳. عملیات بیمه بحری یا غیر بحری تجارتي ذاتی می باشد.
۱۴. در عقد مضاربه ، مضارب ، تاجر محسوب می شود .
۱۵. تسهیل معاملات ملکی ، پیدا کردن خدمه ، تهیه و رسانیدن ملزومات تجارتي ذاتی محسوب می شوند .
۱۶. اعمال تجاری تبعی : به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می شود . مانند : ۱. کلیه معاملات بین تاجر ، کسبه ، صرافان و بانک ها ۲. کلیه معاملات شرکت های تجاری ۳. کلیه معاملات که تاجر با غیر تاجر برای حوایج تجارتي خود می نماید ۴. کلیه معاملاتی که اجزاء ، خدمه و شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می نماید .
۱۷. معاملات بین ۲ تا تاجر در هر حال تجاری خواهد بود به استثناء اموال غیر منقول
۱۸. حقوق تجارت ایران بر چه نظامی استوار است ؟ شخصی و موضوعی
۱۹. وقتی تاجر اسم خود را ثبت می کند ، این عمل تنها اماره قضایی بر تاجر بودنش محسوب می شود.
۲۰. پذیره نویسی اوراق سهام شرکت سهامی و خرید اوراق قرضه تجاری نیست .
۲۱. دفتر تجاری فاقد ویژگی ، اوصاف و ترتیبات تنظیم ، غیر قابل استناد و دفتر تجاری دارای ویژگی و اوصاف ولی فاقد ترتیبات تنظیم ، صرفاً علیه صاحب آن معتبر است .

۲۲. معیار غیر تجارتي بودن تشکيلات و موسساتي که برای مقاصد غیر تجارتي تاسيسي می شوند : **موضوع فعاليت است** ، خواه آن که موسسين قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند .

۲۳. کليه معاملات تاجر تجارتي محسوب مگر اينکه ثابت شود **معامله مربوط به امور تجارتي نيست** . ((ماده ۵) اين ماده اماره قانوني است)

۲۴. کسبه که ميزان فروش سالانه آنها از **يکصد ميليون ريال** تجاوز نکند ، **کسبه جزء محسوب می شود** .

۲۵. **تابعیت شرکتهای تجاری تابع اقامتگاه آنهاست** .

۲۶. اختراعی قابل ثبت است که حاوی ابتکار جديد و دارای کاربرد صنعتی باشد .

۲۷. طرح ها و قواعد یا روش ها انجام کار تجاری، به عنوان اختراع قابل ثبت نمی باشد .

۲۸. حقوق ناشی از اختراع ثبت شده در صورت فوت صاحبان حق به ورثه منتقل می شود .

### **دفتر تجارتي**

۲۹. **دفتر ثبت تجارتي** مخصوص ثبت نام اشخاصی است که به شغل تجارت اشتغال دارند .

۳۰. داشتن دفاتر تجارتي ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد . (صرف نگهداری دفاتر تجارتي ، شخص را تاجر نمی کند . همچنان که نداشتن دفاتر تجارتي ، صفت تاجر بودن را زایل نمی کند ) .

۳۱. **دفتر روزنامه** : دفتری است که در آن هرچیزی اعم از امور تجاری یا غیر تجاری باید ثبت شود . دفتر روزنامه باید **همه روزه** تنظیم شود .

۳۲. دفتر روزنامه را در علم حسابداری **دفتر روزنامه عمومی** می نامند.
۳۳. **کلیه تجار به استثنای کسبه جزء** مکلف به داشتن دفاتر تجاری می باشند .
۳۴. **دفاتر تجاری : ۱. دفتر روزنامه ۲. دفتر کل ۳. دفتر دارایی ۴. دفتر کپی**
۳۵. **موراد جهت ثبت در دفتر روزنامه : ۱. مطالبات و دیون ۲. داد و ستد تجاری ۳. معاملات راجع به اوراق تجاری ۴. کلیه واردات و صادرات تجارته ۵. وجوه برداشتی جهت مخارج شخصی**
۳۶. **دفتر کل : دفتری که تاجر باید کلیه معاملات خود را لاقلاً هفته ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج کرده و در آن ثبت نماید .**
۳۷. **دفتر دارایی : دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامع دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده و در آن ثبت و امضاء نماید .... زمان تنظیم : هر ساله و تا ۱۵ فروردین سال بعد باید تنظیم کند..... جایگزین کنونی : ترازنامه**
۳۸. از میان دفاتر های تجاری فقط **دفتر دارایی** نیاز به امضاء تاجر دارد.
۳۹. **دفتر کپی** : دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب های صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت کند..... **جایگزین : دفاتر اندیکاتور**
۴۰. **دفتر روزنامه و دفتر کل قبل از آن که هر گونه چیزی نوشته شود باید پلمپ شود**
۴۱. **دفاتر تجاری به غیر از دفتر کپی باید توسط نماینده اداره ثبت اسناد کنترل و امضاء شود .**
۴۲. **تاجر باید تمام دفاتر تجاری را از ختم هر سالی لاقلاً تا ۱۰ سال نگاه دارد . بعد از ده سال نگهداری آنها اختیاری است و تا هر زمان قابل استناد هستند.**

۴۳. دفاتر تجارتي تاجر بر تاجر ديگر در صورتي كه **دعوا ناشي از معاملات تجارتي** باشد و **دفاتر منطبق با مقررات قانوني تنظيم** شده باشد به نفع او قابل استناد است .

۴۴. با ۳ شرط دفاتر تجاري به نفع خود تاجر سنديت دارد. **الف)** دعوا بين ۲ تا تاجر باشد **ب)** دعوا مربوط به امور تجارتي باشد **ج)** دفتر مطابق مقررات تنظيم شده باشد.

۴۵. دفاتر تجارتي تاجر در مورد **دعاوي تجاري** در مقابل هم به عنوان **دليل** قابل استناد است .

۴۶. دفتر تاجر زماني عليه تاجر دليل محسوب مي شود كه **دعوا مربوط به معاملات و مطالبات تجارتي** باشد.

۴۷. دفاتر تاجر عليه غير تاجر به **عنوان قرينه و امارات** ممكن است قبول شود .

۴۸. **نداشتن دفاتر تجارتي** براي بازرگانان **جرم محسوب و مرتكب به جزاي نقدي** **دويست تا ده هزار ريال** محكوم مي شود .

۴۹. **تكاليف تاجر : ۱.** تنظيم و نگهداري دفاتر تجاري (۱۰ سال از ختم هر سال) **۲.** ثبت اسم در دفتر ثبت تجاري مي باشد .

۵۰. **ثبت اسم تجاري اختياري است** مگر در مواردی كه وزارت عدليه ثبت آن را الزامي كند.

۵۱. اسم تجاري قابل انتقال است . و مدت اعتبار ثبت اسم تجاري **۵ سال** است و قابل تمديد است .

۵۲. دفاتر تجارتي در صورت سنديت **سند عادي** محسوب مي شود .

۵۳. **دفتر ثبت تجاري** مخصوص ثبت نام اشخاصي است كه به شغل تجارت مشغول هستند.

۵۴. داشتن دفاتر تجاری ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد.
۵۵. در صورتی که بازرگانی از ثبت اسم خود در دفتر ثبت تجاری خودداری نماید مشمول مجازات **جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال** خواهد بود.
۵۶. **کسبه جزء** مکلف به ثبت اسم خود در دفتر ثبت تجاری نمی باشد.
۵۷. **کسبه جزء** مکلف به داشتن دفاتر تجاری نیست.
۵۸. جایگزین دفتر دارایی **ترازنامه** است. دفتر دارایی باید هر ساله تا ۱۵ فروردین سال بعد تنظیم شود.
۵۹. جایگزین دفتر کپیه، **دفاتر اندیکاتور** است.
۶۰. دفاتر تجاری به استثناء دفتر کپیه باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء شود (دفاتر تجاری: دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی، دفتر کپیه).
۶۱. **ضمانت اجرای تخلف از داشتن دفاتر تجاری**: ۱. جرم محسوب و متخلف به جزای نقدی معادل دویست تا ده هزار ریال محکوم می شود. ۲. امکان ورشکستگی به تقصیر نیز وجود دارد. ۳. میزان درآمد و میزان مالیات به صورت علی الرأس تعیین می شود.
۶۲. دفاتر تجاری و اسناد تجاری، **سند عادی** محسوب می شوند.

## دلال

۶۳. **دلال**: کس است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند.
۶۴. برخلاف دلال (که معامله بین طرفین باید به وساطت او **تمام شده باشد** نه اینکه اجراء شده باشد.) حق العمل کاری زمانی مستحق اجرت است که **معامله را اجراء کرده باشد**

۶۵. در صورتیکه معامله به رضایت طرفین یا به بواسطه یک از اختیارات قانونی فسخ بشود **حق مطالبه دلالی سلب نمی شود** مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به **دلال نباشد**.

۶۶. هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

۶۷. دلال برخلاف حق العمل کار در مقابل **آمر حق حبسی ندارد**.

۶۸. تصدی به هر نوع دلالی مستلزم داشتن پروانه است.

۶۹. نسبت به اشیایی و اسنادی که به دلال سپرده می شود دلال مسؤول تلف یا نقص است **مگر** در صورت اثبات عدم انتساب تلف یا نقص به او.

۷۰. دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

۷۱. مواد ۳۴۶ و ۳۵۴

۷۲. در صورتیکه دلال در معامله سهیم باشد با **آمر خود متضامناً** مسؤول اجرای تعهد خواهد بود.

۷۳. دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

۷۴. **شرط ضامن بودن** دلال صحیح است.

۷۵. برای انعقاد قرارداد دلالی، رعایت قواعد عمومی قراردادها (ماده ۱۹۰ ق م) الزامی است.

۷۶. قرار داد دلالی اصولاً تابع مقررات راجع به **وکالت** است.

۷۷. قرار داد دلالی عقدی جایز است و در هر زمان قابل فسخ است.

۷۸. دلال تاجر محسوب می شود و کلیه معاملات او تابع مقررات حقوق تجارت است حتی اگر معامله ای که به واسطه ای آن انجام می شود تجاری نباشد.



۷۹. در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند

### حق العمل کار

۸۰. **حق العمل کار** : کس است که به اسم خود ولی به حساب دیگری معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد .
۸۱. مواد مهم حق العمل کاری (۳۶۲، ۳۶۳) .
۸۲. حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموال که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد .
۸۳. آمر در مقابل طرف معامله با حق العمل کار **هیچ تعهدی ندارد**... حق العمل کار باید خودش تعهدات قرارداد را اجرا کند. (برخلاف وکالت) حق العمل کار در مقابل آمر وکیل و در مقابل ثالث اصیل محسوب می شود.

### حق العمل کار مسئول اجرای تعهدات طرف قرار داد نیست مگر اینکه :

- |  |  |   |
|--|--|---|
| ۱. حق العمل کار مجازدر معامله به اعتبار نبوده باشد ولی معامله به اعتبار کرده باشد. | ۲. حق العمل کار شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده باشد. | ۳. عرف تجارتي حق العمل کار را مسئول قرار دهد. |
|--|--|---|

۸۴. اصولاً حق العمل کار در برابر طرف معامله مسئول اجرای تعهد آمر **است** اما در برابر آمر مسئول اجرای تعهدات طرف معامله **نیست**.

۸۵. حق العمل کار زمانی مسئول خسارات وارده به آمر است که **تقصیر او ثابت شود**.  
۸۶. اگر حق العمل کار کالاهای را که برای فروش به وی سپرده شده علی رغم منع آمر به اقساط یا نسبه بفروشد در مقابل آمر **مسئول است**: **حتی اگر انجام چنین معامله ای داخل در عرف تجاری محل باشد**.

۸۷. اگر قرارداد حق العمل کاری به علتی غیر منتسب به حق العمل کار انجام پذیر نباشد، حق العمل کار **مستحق دریافت اجرتی که عرف معین می کند می باشد**.  
۸۸. حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او **نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت**.

### **متصدی حمل و نقل**

۸۹. اگر مرسل الیه از تحویل گرفتن محموله خوداری کند متعاقباً تلف شود **متصدی حمل و نقل مسئول است در صورتی که مدعی تقصیر او را ثابت کند**. (در این فرض، ید ضمانی تبدیل به ید امانی می شود و در صورت تلف متصدی مسئول نیست مگر اینکه مدعی تقصیر او را ثابت کند).

۹۰. ماده ۳۸۸ و ۳۹۳

۹۱. نسبت به دعوای خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان **یک سال** است.

۹۲.

۹۳. ارسال کننده می تواند مادام که مالتجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده **و خسارت او پس بگیرد**.

## در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد استفاده کند

در صورتی که بار نامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.	۱
در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد	۲
در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مالتجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.	۳
در صورتی که پس از وصول مالتجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.	۴

۹۴. در خصوص خسارت آواری غیر ظاهر مرور زمان **۸ روز** وجود دارد.

۹۵. حمل و نقل توسط پست تابع قوانین قرارداد حمل و نقل نمی باشد.

۹۶. ارسال کننده باید مواظبت کند که مال التجاره به طرز مناسبی عدل بندی شود ،

خسارت بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ارسال کننده است .

۹۷. وقتی کالا به مقصد می رسد ، متصدی حمل و نقل باید **طی اطلاعیه ای وصول کالا را به گیرنده اعلام دارد.**

۹۸. متصدی حمل و نقل بابت کرایه **حق حبسی دارد.**

۹۹. **قائم مقام تجاری** : کسی است که رئیس تجارت خانه او را برای انجام کلیه امور

مربوطه به تجارت خانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او را برای

تجارت خانه الزام آور کرده است .

۱۰۰. **تجدید اختیارات قائم مقام تجاری** : در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته

اند **معتبر نیست** .

۱۰۱. با فوت یا حجر رییس تجارتخانه : قائم مقام تجارتي **منعزل نیست**. با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي **منعزل** است.

۱۰۲. امضاء قائم مقام تجارتي برای تجارت خانه الزام آور است.

۱۰۳. **ضمان** : عقدی است که به موجب آن شخصی در برابر طلبکار و با موافقت او دین دیگری را به عهده می گیرد .

۱۰۴. **قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست** : ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجدل حال شده باشد .

۱۰۵. **استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه ( اگر دین با وثیقه بوده ) : ضامن فوراً و به خودی خود ببری خواهد ساخت .**

۱۰۶. **همین که دین حال شد ضامن می تواند** : مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضمان ملزم کند ولو ضمان موجدل باشد .

۱۰۷. اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی باشد، لازم است این اخطار نسبت به ضامن نیز به عمل آید.

۱۰۸. یک سازمان دولتی و همچنین شرکت های سهامی **در زمان تشکیل دارای** شخصیت حقوقی است .

۱۰۹. **علی الحصول حقوق غیر مالی به اشخاص حقوقی تعلق نمی گیرد . (م ۵۸۸)**

۱۱۰. اسم تجارتي ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجارتي خود قرار دهد **ولو این که** اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

# تجارت ۲

## نکات :

### شرکتهای سهامی

۱. مهمترین اثر تشکیل شرکت **ایجاد شخصیت حقوقی** برای آن است.
۲. تابعیت شخص حقوقی ، **تابع اقامتگاه** شخص حقوقی است . و اقامتگاه شرکت در حقیقت همان **مرکز مهم امور شرکت** است .
۳. پس از انحلال شرکت دارایی **ابتدا بین طلبکاران** و سپس **بین شرکا** تقسیم می شود.
۴. تغییر اقامتگاه به **داخل کشور**: در تمامی انواع شرکت ها کاملاً صحیح است. ولی **به خارج کشور**: تغییر اقامتگاه به خارج **تابع امکان تغییر تابعیت** است.
۵. هیچ مجمع عمومی (شرکت سهامی) نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر دهد یا بر تعهدات آن بیفزاید .
۶. تغییر تابعیت **شرکتهای غیر سهامی** : تغییر تابعیت به **اتفاق آراء** مجاز می باشد. اما در **شرکتهای سهامی** : تابعیت شرکتهای سهامی را نمی توان تغییر داد .
۷. شخصیت حقوقی شرکت با تغییر **نوع** یا **موضوع** آن، تغییر **شرکاء** و حتی **انحلال** از بین نمی رود.

۸. شرکت سهامی خاص، صرفاً با تبعیت از مقررات مربوط به شرکت های سهامی عام در قانون تجارت می تواند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک ها عرضه نماید و یا اقدامات تبلیقاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند.

۹. **شرکتهای شکلاً تجاری** : شرکتهایی که صرف نظر از نوع فعالیت آنها، همین که در قالب معین شده در قانون، تشکیل شوند تجاری هستند. فقط **شرکتهای سهامی** جزء این دسته اند.

۱۰. **شرکتهای موضوعاً تجاری** : شرط تجاری بودن آنها، عملیات تجاری است. **شرکتهای تضامنی** ، **نسبی** ، **با مسئولیت محدود**، **مختلط** و **شرکتهای تعاونی** جزء این دسته اند.

۱۱. در **شرکتهای اشخاص** مسئولیت شرکاء **نامحدود** است اما در **شرکت سرمایه** مسئولیت سهامداران **محدود به مبلغ اسمی** و **آورده** آنهاست .

۱۲. در **شرکت سهامی** : اقامتگاه **مرکز اصلی** یا **مرکز اداره** شرکت است و از آنجا که تغییرش تغییر اساسنامه محسوب می شود ، مرجع تصمیم گیری در مورد آن **مجمع عمومی فوق العاده** است.

۱۳. تشکیل بانک فقط به صورت **شرکت سهامی عام** با **سهام با نام** ممکن خواهد بود .

۱۴. مهلت ثبت در **شرکت سهامی عام ظرف ۶ ماه** از تاریخ تسلیم اظهارنامه است .

۱۵. مهلت ثبت در **شرکت سهامی خاص ظرف ۶ ماه** از زمان تشکیل شرکت می باشد .

۱۶. چنانچه معامله ای پس از تشکیل شرکت انجام شده ولی شرکت پس از گذشت ۶ ماه از تاریخ اظهار نامه در مرجع ثبت شرکتهای به ثبت نرسد **موسسان** مسئول پرداخت هزینه های ناشی از اینگونه معاملات می باشند.

۱۷. اگر شرکتی پس از ثبت ، معاملات قبل از ثبت را قبول نکند، می توان تعهدات ناشی از اینگونه معاملات را بر عهده **موسسان** گذاشت.

۱۸. اگر شرکت باطل شود یا به علت عدم ثبت منحل شود، تمامی هزینه ها و تعهداتی که صورت گرفته فقط **بر عهده مؤسسين** قرار می گیرد و آنها در این مورد **مسئولیت تضامنی** دارند. (م ۲۳۳ ا ق ت)

۱۹. شرکت سهامی عام از زمان قبول کتبی سمت توسط مدیران و بازرسان پس از انتخاب توسط مجمع عمومی مؤسس تشکیل شده محسوب می شود.

۲۰. شرکت سهامی خاص از زمان قبول کتبی سمت توسط مدیران و بازرسان پس از اینکه اساسنامه شرکت به امضاء کلیه سهامداران برسد تشکیل شده محسوب می شود.

۲۱. شرکت مختلط سهامی زمانی تشکیل می گردد، که تمام سرمایه شرکت تعهد و لااقل یک سوم پرداخت شده باشد.

۲۲. اساسنامه شرکت سهامی خاص برای اینکه قانوناً معتبر شناخته شود باید به **امضاء کلیه سهامداران** رسیده باشد.

۲۳. تراضی جهت عدم انتقال سهم در سهامی عام **ممکن نیست** ولی در سهامی خاص **ممکن است**.

۲۴. شرکت مدنی دارای شخصیت حقوقی نمی باشد.

۲۵. سهام شرکت سهامی را **نمی توان** در قبال بدهی های شرکت توقیف کرد.

۲۶. شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در قانون اوراق قرضه منتشر کند ولی **شرکت سهامی خاص** چنین صلاحیتی ندارد.

۲۷. شرکت های سهامی خاص و شرکت های تعاونی تولیدی نیز مجاز به انتشار اوراق مشارکت می باشند.

۲۸. انتشار اوراق قرضه وقتی ممکن است که ۱. کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه شده باشد. ۲. دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد. ۳. دو ترازنامه شرکت به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.
۲۹. ارزیابی آورده های غیر نقدی توسط کارشناس رسمی دادگستری و تصویب آن توسط مجمع عمومی مؤسس که نباید بیشتر از مقدار تقویم کارشناس باشد انجام گیرد. ۵. (در شرکت سهامی خاص و عام)
۳۰. در شرکت با مسئولیت محدود: آورده های غیر نقدی نیاز به تقویم توسط کارشناس رسمی دادگستری ندارد و تقویم آن با شرکاء می باشد.
۳۱. در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.
۳۲. انتقال سهام با نام پس از ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت معتبر است اما انتقال سهام بی نام نیاز به ثبت ندارد و با قبض و اقباض منتقل می شود.
۳۳. در مجمع عمومی مؤسس شرکت سهامی عام هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.
۳۴. انتخاب اولین مدیران و بازرسان در شرکت سهامی خاص توسط کلیه سهامداران است.
۳۵. در مجامع عادی و فوق العاده شرکت های سهامی در صورت پیش بینی اساسنامه ممکن است برخی از سهامداران حق رأی نداشته باشند.
۳۶. بدون قرائت گزارش بازرسی یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.
۳۷. در شرکت سهامی خاص می توان در هنگام افزایش سرمایه مبلغ اسمی سهامی جدید را به صورت غیر نقد تأدیه نمود.



۳۴. اگر بر اثر اعمال و اقدامات مدیران شرکت سهامی این شرکت ورشکسته گردد مسؤولیت آن مدیران **تضامنی** می باشد و در مواردی که مدیران از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت تخلف می ورزند مسؤولیت آنان **انفرادی یا اشتراکی** می باشد.

۳۵. مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در **اساسنامه** مطالبه شود. در غیر اینصورت **هیات مدیره** شرکت باید **مجمع عمومی فوق العاده** صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و **گرنه هر ذی نفعی** حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان پرداخت شده به **دادگاه** رجوع کند.

۳۶. م. ۹۰: تقسیم سود اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از **تصویب مجمع عمومی** جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع، تقسیم **ده درصد** از سود **ویژه سالانه** بین صاحبان سهام **الزامی** است.

۳۷. سود قابل تقسیم در شرکت سهامی به موجب مصوبه **مجمع عمومی عادی** تقسیم می شود.

۳۸. در مقایسه سود خالص و سود قابل تقسیم، سود خالص ممکن است مساوی با سود قابل تقسیم باشد.

### انتقال سهم شرکت یا سرمایه در شرکتهای اشخاص و شرکتهای سرمایه

۱	شرکت تضامنی و شرکت نسبی	انتقال سهم شرکت به دیگری ولو اینکه منتقل الیه از شرکا، شرکت باشد، منوط به <b>رضایت تمام شرکاست (اتفاق آراء)</b> . نیازی به تشریفات ندارد.
۲	شرکت با مسؤولیت محدود	با رضایت <b>اکثریت عددی که لااقل سه چهارم سرمایه متعلق به آنهاست</b> . تشریفات است و فقط با سند رسمی منتقل می شود.
۳	شرکت سهامی خاص و عام	رضایت دیگر شرکاء لازم نیست

۳۹. بعد از تشکیل شرکت سهامی ، مدیران توسط مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی برای مدت ۲ سال انتخاب می شوند.

۴۰. در شرکت سهامی عام هیأت مدیره از بین صاحبان سهام برای مدتی که نباید از ۲ سال متجاوز باشد انتخاب می شوند.

۴۱. تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی عام حداقل ۵ نفر و در شرکت سهامی خاص حداقل ۳ نفر می باشد.

۴۲. مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

۴۳. حضور اعضاء در مجامع عمومی قابل توکیل و حضور اعضاء در هیأت مدیره بلمباشره است.

۴۴. در صورت عدم نشر آگهی برای تشکیل جلسات مجامع عمومی و فوق العاده تصمیمات اتخاذ شده باطل است مگر آنکه همه اعضاء حاضر باشند.

۴۵. اشخاص حقوقی را نیز می توان به عضویت هیأت مدیره برگزید. که در این صورت یک نفر شخص حقیقی که به عنوان نماینده دائم شخص حقوقی مذکور به شرکت معرفی می شود.

۴۶. (مواد ۱۲۹، ۱۱۱).

۴۷. تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد .

۴۸. در شرکت سهامی ، مدیری که ظرف مدت یک ماه تعداد سهام وثیقه لازم را در صندوق شرکت تودیع نکند مستعفی شناخته می شود.

۴۹. اقدامات مدیران شرکت سهامی عام که خارج از موضوعات مندرج در اساسنامه باشد باطل و کان لم یکن می باشند و برای شرکت تعهد آور نیست.

۵۰. محدود کردن اختیارات مدیران شرکت سهامی در اساس نامه شرکت از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل است.

۵۱. هیأت مدیره شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت است به غیر از آنچه که در صلاحیت خاص کلیه مجامع عمومی است.

۵۲. م ۱۲۱ ق ت : برای تشکیل جلسات هیات مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیات مدیره لازم است . تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

۵۳. انتخاب و عزل مدیر عامل بر عهده هیات مدیره است .

۵۴. مدیر عامل نمی تواند شخص حقوقی باشد. انتخاب مدیر عامل از میان اشخاص خارج از سهامداران شرکت سهامی امکان پذیر است.

۵۵. هیچکس نمی تواند در عین حال مدیریت بیش از یک شرکت را داشته باشد.

۵۶. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی ، فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

۵۷. مدیر عامل شرکت سهامی نمی تواند در عین حال رییس هیأت مدیره باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی عادی.

۵۸. مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیات مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

۵۹. اقدامات و تصمیمات هیأت مدیره در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که  
در حدود موضوع شرکت باشد.

۶۰. انتخاب مدیر عامل در شرکت سهامی پس از اعلام و ثبت در مرجع ثبت شرکتها  
در روزنامه رسمی آگهی می شود.

۶۱. هیأت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به عنوان  
اندوخته قانونی موضوع نماید.

۶۲. هیات مدیره باید لااقل هر شش ماه یک بار خلاصه دارایی و قروض شرکت را  
تنظیم کرده و به بازرسان بدهد.

۶۳. در شرکت های سهامی تغییر و تبدیل سهام از بانام به بی نام در صلاحیت مجمع  
عمومی فوق العاده است.

۶۴.

۶۵. ماده ۴۷ ل ق ت

مراتب تبدیل سهام بانام به بی نام	
مراتب فقط یک نوبت در روزنامه گنیر الانتشار که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر	۱
مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود.	۲
پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع دارندگان سهام بانام به شرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و ایطال و سهام بی نام به آنها داده شود.	۳

۶۶. انتخاب بازرس یا بازرسان بر عهده **مجمع عمومی عادی** است. مجمع عمومی در هر موقع می تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند به شرط آنکه جانشین آن ها را نیز انتخاب کند.

۶۷. بازرسان شرکت سهامی عام از جهت شرایط انتخاب مشمول آیین نامه اجرایی قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه ای حسابداران ۱۳۷۲ می باشند.

۶۸. در شرکت سهامی ، **عام و خاص** انتخاب بازرس علی البدل **الزامی** است.

۶۹. **وظایف بازرس یا بازرسان** در شرکت های سهامی : کنترل صحت درستی حساب های شرکت و اطلاعات داده شده به مجامع و سهامداران .

۷۰. در صورتی که شرکت سهامی، بازرسان متعددی داشته باشد **کلیه بازرسان باید گزارش واحد تهیه کنند.**

۷۱. در صورتی که شرکت سهامی بازرس نداشته باشد ، هر ذی نفع می تواند از **دادگاه** تقاضای تعیین بازرس نماید.

۷۲. در شرکت سهامی معاملات بازرس با شرکت **ممنوع** است.

۷۳. تعیین حق الزحمه بازرس شرکت سهامی با **مجمع عمومی عادی** است .

۷۴. در شرکت سهامی خاص و عام و شرکت تعاونی (۱ بازرس) و مختلط سهامی (۳ بازرس) و شرکت با مسئولیت محدود اگر شرکاء بیش از ۱۲ نفر باشند (۳ بازرس که به آن هیأت نظر می گویند) در هر حال وجود بازرس لازم است .

۷۵. در شرکت های تضامنی ، نسبی و مختلط غیر سهامی وجود بازرس لازم نیست و اختیاری است.

۷۶. در شرکت سهامی انتقال اندوخته قانونی به سرمایه **ممنوع** است .

۷۷. **فقط** در **شرکت سهامی خاص** تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به **غیر نقد** نیز مجاز است .

۷۸. افزایش سرمایه شرکت سهامی از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام با موافقت کلیه سهامداران ممکن است .

۷۹. در شرکت سهامی مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معین که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را افزایش دهد .  
۸۰. اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد.

۸۱. ماده ۱۶۵ ل ق ت : مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

۸۲. در صورتی که شرکت سهامی عام ظرف مدت یک سال از تاریخ ثبت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع خود انجام نداده باشد، هر ذی نفع می تواند انحلال آن را از دادگاه بخواهد .

۸۳. انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات ورشکستگی است.

۸۴. وقتی حکم ورشکستگی شرکتی صادر شده باشد، شرکت خود به خود منحل می شود و نیاز به حکم انحلال جداگانه نیست. (انحلال قهری)

۸۵. شخصیت حقوقی شرکت تجاری تا تصفیه شرکت انجام نگیرد باقی می ماند.

۸۶. انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده (در اداره ثبت شرکتها) و اعلان نشده باشد (در روزنامه کثیرالانتشار) نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است.

۸۷. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه شرکتهای سهامی باطل و کان لم یکن است.

۸۸. اسامی اشخاصی که به عنوان مدیر تصفیه تعیین می شوند باید ثبت و اعلان شود.

۸۹. مدیران تصفیه شرکت منحل شده کلیه اختیارات لازم جهت تصفیه حتی از طریق داوری و سازش را دارند.

۹۰. صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حساب ها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

۹۱. انتقال دارای شرکت سهامی در حال تصفیه به مدیر تصفیه ممنوع و باطل است .

۹۲. مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. تمدید مدت مأموریت مدیران تصفیه شرکت های سهامی با دادگاه و مرجع عمومی است .

۹۳. مدیر تصفیه شرکت سهامی توسط همان مرجعی که او را انتخاب نموده است قابل عزل می باشد .

۹۴. در شرکت سهامی مدیران تصفیه باید همه ساله گزارش اعمالی را که انجام داده اند را به مجمع عمومی عادی تسلیم کند .

۹۵. اگر مدیر تصفیه شرکت سهامی که طبق تصمیم مجمع عمومی شرکت انتخاب گردیده فوت شود، هر ذی نفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید .

۹۶. تقسیم سود بین صاحبان سهام در شرکت های سهامی فقط پس از تصویب مجمع عمومی که با قرائت گزارش بازرسی یا بازرسان صورت گرفته باشد جایز خواهد بود

۹۷. در شرکت سهامی خاص پرداخت پاداش به هیات مدیره نباید از ۱۰ درصد سودی که در آن سال به صاحبان سهام تعلق می گیرد تجاوز کند.

۹۸. اثر تخلف از مقررات قانونی در تشکیل شرکت سهامی ، بطلان شرکت سهامی است

۹۹. در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوا بطلان را صادر خواهد کرد .

۱۰۰. در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت سهامی کسانی که **مسئول بطلان** هستند **متضامناً مسئول** خساراتی خواهند بود که از آن بطلان به صاحبان سهام و اشخاص ثالث متوجه شده است .

۱۰۱. تعیین حق الزحمه مدیر تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شود به عهده **دادگاه** است .

۱۰۲. مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از ۲ سال تجاوز کند.

۱۰۳. طبق مقررات تجارت، **دارندگان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت** می توانند به نام و از طرف شرکت علیه مدیران **دعوی مسئولیت** اقامه کنند .

۱۰۴. شرکت های دولتی **تابع قوانین تأسیس و اساسنامه های خود می باشند** و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آن ذکر نشده تابع مقررات این قانون می باشد .

۱۰۵. تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام موکول به آن است که...

۱. **مورد تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده ۳.۳ دو** سال تمام از تاریخ تأسیس و ثبت شرکت گذشته **۳. دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.**

۱۰۶. امضاء **ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول** اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام می باشد .

۱۰۷. ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط و مقررات قانونی در خصوص تشکیل شرکت سهامی ، **بطلان نسبی** (قابلیت درخواست بطلان عملیات یا شرکت توسط اشخاص ذی نفع) است .

۱۰۸. سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود **با نام** است .



۱۰۹. **ورقه قرضه** : ورقه قابل معامله ای است که معرف مبلغی وام با بهره معین است که تمامی آن باید در موعد یا مواعد معینی باید مسترد شود. اوراق قرضه از اوراق بهادر محسوب می شود .

۱۱۰. مسئولیت مدیران حالات مختلفی دارد : ۱. مدیران شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت یا مصوبات مجمع شرکت که باعث ورود ضرر به افراد ثالث یا شرکا شود بر حسب مورد **منفرداً یا مشترکاً** می باشد ۲ . مدیران شرکت در مقابل تخلف از مقررات شرکت که باعث ورشکستگی یا عدم کفایت دارایی شرکت در مقابل طلبکاران شرکت شود حسب مورد **مسئولیت انفرادی یا تضامنی** دارند .

### نکات تکمیلی شرکت های سهامی

۱۱۱. **شرکت سهامی عام** می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون **اوراق قرضه** صادر کند. (فقط شرکت سهامی عام می تواند صادر کند)

۱۱۲. دارندگان اوراق قرضه در اداره شرکت هیچ گونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند.

۱۱۳. در سهامی که برای تعویض یا تبدیل با اوراق قرضه صادر می شود، حق تقدم سهامداران خود به خود منتفی است. اینگونه سهام **با نام** است.

۱۱۴. در خصوص کاهش اختیاری سرمایه هر یک از دارندگان اوراق قرضه و طلبکارانی که منشأ طلبشان قبل از تاریخ نشر آگهی مذکور باشد می توانند ظرف **۲ ماه** از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را به کاهش سرمایه به **دادگاه** تقدیم کنند.

۱۱۵. **پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه** عمل تجاری نمی باشد . (حتی اگر تاجر این اعمال را انجام دهد)

۱۱۶. صدور چک هم اعمال تجاری نیست .

۱۱۷. هرگاه اوراق قرضه در اساسنامه شرکت سهامی پیش بینی نشده بود **مجمع عمومی فوق العاده** به پیشنهاد **هیات مدیره** انتشاره اوراق قرضه را تصویب می نماید.

۱۱۸. ماده ۷۴ لایحه (وظایف مجمع عمومی موسس)...

۱۱۹. چنانچه شرکتی تجاری تشکیل شود و امور تجارتي خود را به صورت یکی از شرکت ها مذکور در قانون تجارت در نیاورد تابع احکام راجع به شرکت های تضامنی و شرکت تضامنی محسوب می شود.

۱۲۰. هر گونه تصمیم در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد، منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد.

۱۲۱. تغییر و اصلاح طرح اساسنامه با مجمع عمومی مؤسس است. (تغییر در خود اساسنامه با مجمع عمومی فوق العاده است اما تغییر در روح اساسنامه با مجمع عمومی مؤسس است).

۱۲۲. انتشار اعلامیه پذیره نویسی توسط شرکت های عام، منوط به صدور مجوز توسط مرجع ثبت شرکت ها، پس از موافقت سازمان بورس و اوراق بهادار صادر می شود.

۱۲۳. هیأت مدیره بورس اوراق بهادار توسط شورای بورس انتخاب می شود.

۱۲۴. بورس اوراق بهادار به وسیله سازمان کارگزاران بورس انتخاب می شود.

۱۲۵. داد و ستد اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار توسط کارگزاران بورس انجام می گیرد

۱۲۶. در مجمع عمومی موسس کلیه مؤسسين و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رأی خواهد بود.

۱۲۷. در مورد شرکت های ورشکسته دعوا به طرفیت مدیر تصفیه و در مورد شرکت های منحل، دعوا به طرفیت شرکت منحل باید اقامه گردد.

۱۲۸. ادغام شرکت های تجاری در نظام حقوقی ایران به موجب قوانین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی تجویز شده است.

۱۲۹. طبق مقررات فعلی، مجمع عمومی عادی شرکت سهامی باید **ظرف مدت ۴ ماه از تاریخ پایان سال مالی شرکت**، برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل تشکیل شود.

۱۳۰. شرکت سهامی خاص می تواند با تصویب **مجمع عمومی فوق العاده** و رعایت شرایط مربوط به شرکت سهامی عام تبدیل شود.

۱۳۱. تصمیم راجع به سهام ممتاز با **مجمع عمومی فوق العاده** است؛ علت این امر اینست که ایجاد سهام ممتاز، مستلزم تغییر اساسنامه است.

۱۳۲.

۱۳۳. تشکیل مجمع عمومی موسس در **شرکت سهامی عام الزامی است** اما در شرکت **سهامی خاص الزامی نیست**.

۱۳۴. در **مجامع عادی و فوق العاده** شرکتهای سهامی در صورت پیش بینی اساسنامه ممکن است برخی از سهام داران حق رأی نداشته باشند .

۱۳۵. در مجمع عمومی عادی **حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند**، ضروری است .

۱۳۶. تقسیم سود سالانه و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود و در صورت وجود منافع ، تقسیم **۱۰ درصد از سود ویژه سالانه** بین صاحبان سهام **الزامی** است.

۱۳۷. **هیأت مدیره و هم چنین بازرسان** شرکت می توانند مجمع عادی به طور فوق العاده را دعوت نمایند.

۱۳۸. حد نصاب لازم جهت تصمیم گیری در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده همان حد نصاب لازم جهت تصمیم گیری در مجمع عمومی عادی سالیانه است .

۱۳۹. دعوت از مجامع عمومی شرکت ها سهامی به ترتیب توسط **۱. هیات مدیره ۲.**

**بازرس ۳.** دارندگان اقلایک پنجم سهام (۲۰ درصد) شرکت صورت می گیرد.

۱۴۰. در مواقعی که کلیه صاحبان سهام شرکت سهامی در مجمع عمومی حاضر باشند

نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

۱۴۱. فاصله نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۴۰ روز

خواهد بود.

۱۴۲. در شرکت های سهامی تقسیم ۱۰ درصد از سود ویژه سالانه بین سهامداران

شرکت الزامی است.

۱۴۳. برای تشکیل و رسمیت یافتن هیات مدیره در هر حال حضور **بیش از نصف اعضای**

**هیأت مدیره** لازم است. **تصمیمات باید با اکثریت آرای حاضرین** اتخاذ گردد. و در صورت

تساوی، دسته ای که رئیس هیات مدیره خود جزء آن دسته است، تفوق می یابد مگر اینکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

۱۴۴. در صورتی که مدیران شرکتهای سهامی در اساسنامه برای مدت معین برگزیده

شده باشند، مجمع عمومی شرکت قبل از انقضای آن مدت **می تواند** مدیران را عزل

کند.

۱۴۵. شرکت های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه های خود می باشند و فقط

نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه آنها نیامده تابع لایحه اصلاحی

قانون تجارت می باشند.

۱۴۶. انتخاب مدیر عامل و تعیین حدود اختیارات او توسط **هیات مدیره** انجام می

شود.

۱۴۷. در طول تصفیه شرکت سهامی ورشکسته، نقل و انتقال سهام **مجاز** است.

.. ۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰. شرکت های عملی موضوع ماده ۲۲۰ ق ت دارای شخصیت حقوقی محدود هستند و مشمول مقررات ورشکستگی نیستند.

## اتمام شرکت های سهامی

### شرکتهای غیر سهامی

۱۵۱. شرکت با مسئولیت محدود :

۱۵۲. مسئولیت شرکا در شرکتهای با مسئولیت محدود و نسبی به ترتیب : **تا میزان**

سرمایه ای که به شرکت آورده اند ، **به نسبت** سرمایه ای که به شرکت آورده اند .

۱۵۳. اگر در اسم شرکت با مسئولیت محدود، نام یکی از شرکاء **قید گردد** شخص مزبور

در مقابل اشخاص **ثالث در حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی است** .

۱۵۴. در اسم شرکت با مسئولیت محدود باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و

الا آن شرکت در مقابل اشخاص **ثالث شرکت تضامنی** محسوب و تابع مقررات آن

خواهد بود .

۱۵۵. هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح

نشده در مقابل اشخاص **ثالث باطل و کان لم یکن است**. (منظور از عبارت باطل و کان لم یکن در

این بند: عدم قابلیت استناد محدودیت در برابر اشخاص ثالث است)

۱۵۶. شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد و میزان تقویمی سهم الشرکه غیر نقدی نیز در شرکت نامه تصریح شده باشد.

۱۵۷. شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

۱۵۸. شرکت نامه مختص شرکت های با مسئولیت محدود ، نسبی و تضامنی است.

۱۵۹. اگر مال غیر منقول متعلق به یکی از شرکاء شرکت با مسئولیت محدود بیش از قیمت واقعی آن تقویم گردد همه شرکا در قبال اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

۱۶۰. اگر تمام سرمایه غیر نقدی شرکت با مسئولیت محدود تأدیه نگردد شرکت باطل است و شرکا در مورد مبالغ پرداخت نشده مسئولیت تضامنی دارند.

۱۶۱. در شرکت با مسئولیت محدود ، سهم الشرکه شرکاء نمی تواند به صورت اوراق تجارتي بی اسم و با اسم در آید .

۱۶۲. انتقال سهم الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود ممکن نیست مگر با حصول اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و فقط از طریق سند رسمی صورت می گیرد.

۱۶۳. در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء.

۱۶۴. تصمیمات راجع به شرکت با مسئولیت محدود در بار اول با اکثریت دارندگان نصف سرمایه و برای بار دوم با اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود.

۱۶۵. در شرکت با مسئولیت محدود ، تعداد آرای هریک از شرکاء به نسبت سهمی است که در شرکت دارد ، مگر اینکه اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

۱۶۶. هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از ۱۲ نفر باشد **باید** دارای **هیأت نظار (۳ نفر)** بوده و هیأت مزبور لاقلاً **سالی یک مرتبه** مجمع عمومی شرکاء را تشکیل میدهد .

۱۶۷. هیأت نظار اصولاً همان وظایف و تکالیف بازرسان را دارند و حداقل تعداد آن ها ۳ نفر می باشد و تعداد آنها باید فرد باشد.

۱۶۸. در شرکت های با مسئولیت محدود ، برای **تغییر اساسنامه اکثریت عددی شرکای دارنده لاقلاً سه ربع سرمایه شرکت ضرورت دارد** .

۱۶۹. در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبور به **ازدیاد سهم الشرکه خود کنند** .

۱۷۰. شرکت با مسئولیت محدود در صورت **تصمیم عده ای از شرکا که دارای بیش از نصف سرمایه شرکت باشند یا فوت یکی از شرکا مشروط براینکه در اساسنامه قید شده باشد ، منحل می شود**.

۱۷۱. در شرکت های با مسئولیت محدود مؤسسینی که برخلاف واقع آورده های غیر نقدی را تقویم کرده باشند به شرط آنکه در اسنادی که به ثبت شرکتها داده اند اظهار کرده باشند کلاهبردار محسوب می شوند.

۱۷۲. **شرکت تضامنی :**

۱۷۳. در شرکت تضامنی **مسئولیت کلیه شرکاء تضامنی و نامحدود** است .

۱۷۴. در شرکت تضامنی شرکاء باید لاقلاً **یک نفر از میان خود یا از خارج** به سمت مدیری معین نماید .

۱۷۵. مسئولیت مدیر شرکت تضامنی: مسئولیت مدیر در مقابل شرکت همانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل می باشد.

۱۷۶. تقویم سهم الشرکه غیر نقدی در شرکت های تضامنی و نسبی با موافقت همه شرکا انجام می گیرد .

۱۷۷. در شرکت تضامنی اگر سهم الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد باید سهم الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

۱۷۸. هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته است. (شریکی که خارج شده دیگر مسئولیتی ندارد)

۱۷۹. در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء .

۱۸۰. در شرکت نسبی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء .

۱۸۱. در شرکت تضامنی و نسبی طلبکار شرکت برای وصول طلبش می تواند تا شرکت منحل نشده به شرکت مراجعه و بعد از انحلال شرکت ، در صورت عدم کفایت دارایی شرکت به شرکاء مراجعه کند .

۱۸۲. مسئولیت شرکاء در شرکت تضامنی در مقابل طلبکاران تضامنی و در مقابل شرکاء نسبی (به نسبت سرمایه) است .

۱۸۳. طلبکاران شخصی شرکای شرکت تضامنی حق ندارند از دارایی شرکت استیفاء طلب نمایند.

۱۸۴. بعد از انحلال شرکت تضامنی و قبل از تقسیم دارایی آن ، دادگاه می تواند حکم ورشکستگی آن را صادر کند .



۱۸۵. مدیران شرکت های تجاری به اعتبار سمت خود در شرکت **تاجر محسوب نمی شود**.

۱۸۶. چنانچه شرکت ایرانی موجود خود را به صورت یکی از شرکت های مذکور در قانون تجارت در نیاورده باشد، **شرکت تضامنی محسوب می شود**.

۱۸۷. در شرکت **تضامنی و نسبی**، ورشکستگی شرکت ملازمه ای با ورشکستگی شرکاء **ندارد و بلعکس**.

۱۸۸. شرکت های تضامنی و نسبی از هر جهت تابع قواعد یکسانند مگر از جهت **میزان مسولیت شرکاء** که متفاوتند. (شرکت تضامنی به صورت مطلق: هریک مسئول تمام قروض است..

شرکت نسبی: به نسبت سهم الشرکه شریک به کل سرمایه)

۱۸۹. در شرکت **تضامنی و نسبی**: اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شرکاء کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء **ممنوع** است.

۱۹۰. نوع شرکت تضامنی با تصویب **تمام شرکاء** قابل تبدیل به سهامی است.

۱۹۱. در شرکت **تضامنی و نسبی** شریک حق فسخ شرکت را دارد.

۱۹۲. در صورت فوت یک از شرکاء در شرکت تضامنی: بقاء شرکت **موقوف به رضایت**

**سایر شرکا و رضایت قائم مقام متوفی** می باشد و همچنین **سکوت ورثه به منزله رضایت بر بقاء است**.

۱۹۳. شرکت مختلط غیر سهامی:

۱۹۴. اداره شرکت مختلط سهامی **برعهده شریک یا شرکاء ضامن است**.

۱۹۵. حداقل شرکا در مختلط غیر سهامی ۲ نفر می باشد.

۱۹۶. مسئولیت اداره شرکت با شرکاء ضامن است.

۱۹۷. شرکت مختلط سهامی:

۱۹۸. در شرکت مختلط سهامی شریک ضامن کسی است که ، بدون آنکه سرمایه او به صورت سهام در آید مسئول پرداخت کلیه قروض شرکت است.

۱۹۹. حداقل شرکا در مختلط سهامی ۳ نفر می باشد.

۲۰۰. مدیریت شرکت مختلط سهامی **مخصوص به شریک یا شرکا ضامن** است .

۲۰۱. در شرکت مختلط سهامی تشکیل هیأت نظار در هر حال **الزامی** است.

۲۰۲. مدت مأموریت اولین هیأت نظار در شرکت مختلط سهامی **1 سال** است.

۲۰۳. در شرکت مختلط سهامی در صورت صدور حکم ورشکستگی ، نسبت به اموال

شرکت ، **طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکا مقدم هستند** .

۲۰۴. شرکت مختلط سهامی زمانی تشکیل می گردد که تمام سرمایه شرکت تعهد و

لااقل یک سوم آن پرداخت شده باشد

۲۰۵. **شرکت نسبی** :

۲۰۶. در **شرکت نسبی** هیچ یک از شرکا نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند

**مگر با رضایت تمام شرکا** .

۲۰۷. موارد مشترک بین شرکت با مسئولیت محدود و تضامنی و نسبی : ۱. در هر سه

شرکت اعضاء هیات مدیره می توانند از میان شرکا یا از خارج برای مدت محدود یا

نامحدود انتخاب شوند ۲ . در هر سه شرکت در موقع تشکیل شرکت تمام سرمایه

نقدی باید تأدیه گردد

۲۰۸. **مسئولیت شرکا در شرکت نسبی** : هر شریک فقط به نسبت سرمایه ای که در

شرکت آورده است ، مسئول پرداخت دیون شرکت می باشد.

۲۰۹. **زمان تشکیل شرکت نسبی** : الف ) پس از تأدیه تمام سرمایه نقدی ب) و تقویم و

تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی ( زمان تشکیل شرکت تضامنی نیز به همین ترتیب است )

۲۱۰. اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا به

**نسبت سرمایه ای که داشته ضامن است .**

۲۱۱. با صدور حکم ورشکستگی شرکت نسبی ، شرکاء آن شرکت در صورتی ورشکسته

شناخته می شوند که در حکم دادگاه به ورشکستگی آنها تصریح شده باشد .

۲۱۲. **شرکت تعاونی :**

۲۱۳. **شرکت های تعاونی و دارای شخصیت حقوقی** هستند .

۲۱۴. هیأت مدیره شرکت تعاونی مرکب از حداقل ۳ نفر و حداکثر ۷ نفر عضو اصلی و

تایک سوم اعضای اصلی عضو .

۲۱۵. نهادهای دولتی در شرکت های تعاونی فقط **تا % 49** سرمایه شرکت را می توانند

تأمین نمایند اما نمی توانند شریک باشند.

۲۱۶. تابعیت تعاونی ها باید ایرانی باشد.

۲۱۷. در کلیه مجامع عمومی شرکت تعاونی، هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم

فقط دارای یک رأی است.

۲۱۸. تصویب اساسنامه شرکت تعاونی با حداقل **دو سوم** اعضاء اولین مجمع عمومی

عادی است.

۲۱۹. در شرکت تعاونی اولین هیئت مدیره ای که در اولین جلسه مجمع عمومی عادی

تعیین می گردد مکلف به ثبت تعاونی است.

۲۲۰. خروج عضو از شرکت تعاونی **اختیاری** است .

۲۲۱. حداکثر سهام عضو در شرکت های تعاونی نباید بیشتر از یک هفتم کل سرمایه شرکت باشد .

۲۲۲. شرکت تعاونی زمانی تشکیل می شود که حداقل یک سوم سرمایه آن تادیه و آورده غیر نقدی تقویم و تسلیم شده باشد.

موفق باشید

سعید شاکر